



Examining the jurisprudential and legal foundations of the unified opinions No. 733 and 811 of the Supreme Court, with an emphasis on the theory of "expectation damages" in Common Law, and its comparison with Iranian law and Imami jurisprudence

Ali Yari Nejad^{*}

Received: 17 January 2025 | Received in revised form: 07 March 2025 | Accepted: 24 April 2025 | Published: 30 June 2025

Abstract

The Unified Precedent Ruling No. 811 of the Supreme Court, which to some extent elucidates certain aspects of Unified Precedent Ruling No. 733, has been critically examined from various perspectives, particularly regarding its legal foundations. In this ruling, the Supreme Court adopted the criterion of objective inflation as a measure to compensate the price paid by the buyer, aiming to place the buyer in a position as if the contract had not been nullified, thereby maintaining the post-contractual status quo. This approach is akin to the doctrine of expectation damages and the concept of anticipated benefit in common law and certain European contract law principles. In this research, using an analytical-descriptive method and relying on library resources and judicial rulings, the aforementioned rulings have been examined and analyzed. The findings of the study indicate that the Supreme Court's approach in Ruling No. 811 is defensible both from the perspective of Iranian law and Imami jurisprudence. This approach can serve as a basis for establishing a unified rule in similar cases and can be utilized as a consistent criterion in analogous legal proceedings.



Keywords: Compensation, Supreme Court, subject inflation, unanimous decision 811 and 733, expected damages, expected benefit.

* PhD Student in Private Law, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran; Email: Aliyari1375211@yahoo.com

Yari Nejad, A., (2025)., Examining the jurisprudential and legal foundations of the unified opinions No. 733 and 811 of the Supreme Court, with an emphasis on the theory of "expectation damages" in Common Law, and its comparison with Iranian law and Imami jurisprudence. *Journal of New Issues in Islamic Jurisprudence*, 3 (1), 311-329. <https://doi.org/10.22091/rcjl.2025.12137.1119>



بررسی مبانی فقهی و حقوقی رأی وحدت رویه ۷۳۳ و ۸۱۱ دیوان عالی کشور با تأکید بر نظریه «خسارت انتظار» در حقوق کامن لا و تطبیق آن با حقوق ایران و فقه امامیه

علی یاری نژاد*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۸ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۱۲/۱۷ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۵ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰

چکیده

رأی وحدت رویه شماره ۸۱۱ دیوان عالی کشور، که تا حدی مبین برخی جهات رأی وحدت رویه شماره ۷۳۳ نیز هست، از جنبه‌های مختلف، به‌ویژه در مورد مبانی حقوقی آن، مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. در این رأی، دیوان عالی کشور با اتخاذ ملاک تورم موضوعی به عنوان معیاری برای جبران ثمن پرداختی توسط مشتری، تلاش کرده است تا مشتری را در وضعیتی قرار دهد که گویی قرارداد باطل نشده و همان وضعیت پسا قرارداد برای وی حفظ شده است. این رویکرد، مشابه دکترین خسارت انتظار و نفع متوقع در حقوق کامن لا و برخی قواعد قراردادهای اروپایی است. در این پژوهش، با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای و آرای قضایی، به بررسی و تحلیل آرای مذکور پرداخته شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که رویکرد دیوان عالی کشور در رأی شماره ۸۱۱، هم از منظر حقوق ایران و هم از منظر فقه امامیه، قابل دفاع است. این رویکرد می‌تواند به عنوان مبنایی برای ایجاد قاعده‌ای واحد در موارد مشابه مورد استفاده قرار گیرد و از آن به عنوان وحدت ملاک در پرونده‌های مشابه بهره‌برداری شود.



کلیدواژه: جبران خسارت، دیوان عالی کشور، تورم موضوعی، رأی وحدت رویه ۸۱۱ و ۷۳۳، خسارت انتظار، حقوق کامن لا، نفع متوقع.

*دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه علوم قضایی، تهران، ایران. | Aliyari1375211@yahoo.com

□ یاری نژاد، علی (۱۴۰۴). بررسی مبانی فقهی و حقوقی رأی وحدت رویه ۷۳۳ و ۸۱۱ دیوان عالی کشور با تأکید بر نظریه «خسارت انتظار» در حقوق کامن لا و تطبیق آن با حقوق ایران و فقه امامیه، پژوهش‌های فقهی مسائل مستحدثه، ۳ (۱)، ۳۱۱-۳۲۹.

<https://doi.org/10.22091/rejl.2025.12137.1119>

۱. مقدمه

در خصوص این که نقض قرارداد نباید بدون ضمانت اجرا بماند تردیدی وجود ندارد و تمامی نظام‌های حقوقی دنیا در این باره اتفاق نظر دارند و هر کدام راهکارهای خاصی را برای این امر پیش‌بینی کرده‌اند. این راهکارها به تبع هر نظام حقوقی ممکن است متفاوت باشد و موارد متعددی را شامل می‌شود از جمله الزام به ایفای عین قرارداد^۱، فسخ^۲ و یا پرداخت خسارت و غرامت‌های ناشی از نقض تعهد^۳ (عطاری و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۱۰۱). به شکل طبیعی، انعقاد قرارداد در ضمیر متعاقدين دارای علت و انگیزه‌هایی می‌باشد همچنان که علت تعهد و قرارداد همیشه یکسان و نوعی بوده انگیزه قراردادها به تبع هر شخص ممکن است متفاوت باشد. زمانی که فرد تصمیم به انعقاد قرارداد گرفته و آنرا منعقد می‌کند و به دنبال نفعی است که ناشی از این قرارداد به او می‌رسد که همانا انگیزه او از این قرارداد خواهد بود. حال در صورتی که قرارداد به واسطه نقض توسط یکی از طرفین به مرحله تکامل و اجرا نرسد تکلیف چه خواهد بود؟ اینجاست که فرد طلبکار در پی الزام ناقص قرارداد به اجرای تعهد و یا جبران خسارات وارده بر خواهد آمد. که همچنان که گفته شد در هر نظامی مبتنی بر اقتضانات فردی و اجتماعی حاکم بر آن جا ضمانت اجرای‌های متفاوتی پیدا می‌کند (قنوتی، ۱۳۹۷، ص ۹۸). حقوق قراردادها برای ارزیابی خسارات قراردادی سه معیار را به کار می‌گیرد ۱. خسارت انتظار^۴. ۲. منفعت اعتماد^۵ و ۳. معیار استرداد^۶ و باید گفت که حقوق قراردادها در راستای جبران خسارات قراردادی مدت هاست که به دنبال محافظت از منافع مورد انتظار طرفین بوده است. اگرچه سه منفعت قراردادی متمایز را به رسمیت می‌شناسد - انتظار، اتکا و استرداد؛ اما به صراحت منافع انتظاری را نسبت به دو مورد دیگر برتری می‌دهد و دادگاه‌ها معمولاً با حفظ انتظاراتی که زیان دیده هنگام انعقاد قرارداد داشته است، عهد شکسته شده را جبران می‌کنند (Markovits, D., & Schwartz, A. 2011,2).

در خصوص خسارات انتظاری باید گفت که این نوع خسارت، با هدف قرار دادن زیان دیده در موقعیتی مشابه با وضعیتی که در صورت اجرای کامل قرارداد متصور بود، تعیین می‌گردد. به عبارت دیگر، خسارات انتظاری درصدد جبران سود یا منفعتی هستند که زیان دیده به دلیل نقض قرارداد از دست داده است (Goldberg, 1982,75).

1. Specific Performance
2. Termination
3. Damages
4. Expectation Interest
5. Reliance Interest
6. Restitution

اما خسارات اتکایی، هزینه‌هایی را که زیان‌دیده در راستای آماده‌سازی و اجرای تعهدات قراردادی متحمل شده است، جبران می‌نماید. این نوع خسارت، به دنبال جبران ضررهای واقعی ناشی از اتکا به قرارداد و اقدامات مقدماتی انجام‌شده برای اجرای آن می‌باشد (Hogg, 2011, 336؛ B. Morrison, 1996.230).

و خسارات استرداد نیز در مقابل، خسارات اتکایی ناظر به منفی است که طرف نقض‌کننده قرارداد از ناحیه زیان‌دیده کسب کرده است. هدف از این نوع خسارت، بازگرداندن مزایا یا منفی است که زیان‌دیده به طرف نقض‌کننده منتقل کرده است و به نوعی دارا شدن بلاجهت نقض‌کننده قرارداد مبنای آن است. به عنوان مثال، در موردی که فروشنده از ایفای تعهد خود مبنی بر تحویل کالا خودداری می‌ورزد، خسارات استرداد می‌تواند معادل بازپرداخت مبلغ پرداختی توسط خریدار باشد (Ewan McKendrick, 2012, 818).

در حقوق ایران، قاعده بنیادین در ضمانت اجراهای نقض قرارداد، اجبار به انجام عین تعهد است. این رویکرد، مبتنی بر ماده ۲۳۹ ق.م. بر پایه الزام متعهد به اجرای تعهد قراردادی استوار بوده و به‌مثابه راهکار اولیه در جبران خسارت تلقی می‌شود. بر اساس این چارچوب، فسخ قرارداد و مطالبه خسارت صرفاً به‌عنوان آخرین راه حل و پس از طی مراحل پیشین قابل استناد است. این ترتیب و توالی در ضمانت اجراها، دلالت بر تقدم و اولویت الزام به ایفای تعهد دارد که در خصوص این امر اختلافات فراوانی وجود دارد که از محل بحث این مقاله خارج است (ریاحی و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۲۴۳). این موضوع در مورد قراردادهای صحیح مصداق دارد؛ اما هنگامی که یک قرارداد باطل تلقی می‌گردد، ضمانت اجرای آن، صرفاً به جبران خسارت محدود می‌شود. در وهله نخست، استرداد عوضین به عنوان راهکار اولیه مطرح می‌گردد، لیکن این اقدام به تنهایی کافی نبوده و واجد فروعاتی است. از جمله آنکه، ارزش پولی که باید مسترد گردد، با گذر زمان دچار کاهش می‌یابد و بنابراین برای جبران این نقصان، اتخاذ تدابیر جبرانی دیگری نیز اجتناب‌ناپذیر است. در چنین نقطه‌ای است که آرای وحدت رویه شماره ۷۳۳ و ۸۱۱ دیوان عالی کشور اهمیت می‌یابند و به‌عنوان راه حل‌های مکمل، مورد توجه قرار می‌گیرند؛ اما بیان این مقدمه به این خاطر بود که دیوان عالی کشور در رای شماره ۷۳۳ در خصوص مستحق‌الغیر در آمدن مبیع و سپس بطلان آن بیع به جبران خسارات و غرامات ناشی از کاهش ارزش پول پرداخته بود و چون دارای ابهام بود و محاکم آرای متناقض صادر می‌کرده‌اند چند سال بعد ناشی از همین اختلاف محاکم رایی دیگر به شماره ۸۱۱ در راستای تبیین رای وحدت رویه ۷۳۳ صادر می‌شود که بر اساس مفاد رأی وحدت رویه شماره ۸۱۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، در فرضی که مبیع به موجب حکم قضایی مستحق‌الغیر شناخته شده و متعاقباً حکم بر بطلان عقد بیع صادر گردد، با بیع مسئول جبران خسارات وارده بر خریدار خواهد بود. این مسئولیت شامل جبران کاهش ارزش ثمن معامله نیز می‌گردد. در مواردی که ثمن معامله به صورت وجه رایج کشور تعیین شده باشد، دادگاه مکلف است میزان غرامت پرداختی به خریدار را بر اساس میزان افزایش قیمت اموال مشابه مبیع در زمان صدور حکم تعیین نماید. با صدور رای مزبور انتقادات فراوانی نسبت به مبانی آن در قالب مقالات متعدد

بیان شد و البته برخی نیز در راستای تقویت این رای سخن گفته‌اند. در این مقاله، مبانی رأی وحدت رویه ۸۱۱ دیوان عالی کشور با نظریه حقوقی خسارت انتظار در حقوق قراردادهای اروپا و حقوق کامن لا بررسی می‌شود. هدف این است که برخلاف انتقادات وارد بر رای، مبانی آن تقویت شده و در موارد مشابه وحدت ملاک از آن گرفته شود.

۲. پیشینه پژوهش

در زمینه پیشینه بحث، لازم به ذکر است که در خصوص رأی وحدت رویه ۸۱۱ دیوان عالی کشور مقالات متعددی منتشر شده است؛ اما بحث درباره مبانی رأی و تحلیل آن به طور جامع صورت نگرفته است. به عنوان نمونه، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل انتقادی مبانی رأی وحدت رویه ۸۱۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور» (صادقیان، مهدیه، ضیاء الاسلامی، علی و صادقی راد، مهدی، فصلنامه تحقیقات حقوقی، سال ۱۴۰۳)، رأی ۸۱۱ دیوان عالی کشور به عنوان بدعتی نامتوازن در نظام حقوقی معرفی شده و بر این نکته تأکید شده است که این رأی باید به صورت استثنایی تفسیر شود (ص ۲۵۵ مقاله).

در پژوهش دیگری با عنوان «تحلیل و نقد رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور پیرامون مسؤلیت فروشنده در ضمان درک» (جوادی، مهدی، ۱۴۰۲)، نویسنده به متن رأی مذکور اشاره کرده و ایراداتی را مطرح نموده است که برخی از آن‌ها معقول به نظر می‌رسد. از جمله، تمایز بین دو مفهوم «کاهش ارزش پول» و «گرامت» و تبعات ناشی از رأی مذکور را بررسی کرده است. علاوه بر این، در مقاله‌ای دیگر (جعفری، نصراله و ناصری، پریسا، ۱۴۰۳) به ارزش روز مبیع و سنجش گرامات خریدار پرداخته شده است. نویسندگان این مقاله بررسی می‌کنند که آیا قضاوت دیوان عالی کشور در نظر دارند که جبران کاهش قدرت خرید ثمن پرداختی خریدار بر اساس حفظ موقعیت پیش قراردادی صورت گیرد یا بر مبنای گرامت ناشی از منافع مورد انتظار. همچنین، به طور مؤثری میان «تورم موضوعی» و «تورم نوعی» تفکیک قائل شده و مبنای رأی مذکور را «تورم موضوعی» در نظر می‌گیرند. در این مقاله اظهار شده است که صدور رأی به مثابه این که هیچ انگار قراردادی باطل نشده، با هدف و مبنای رأی وحدت رویه و اصول و مبانی فقهی و قانونی، از جمله ضمان درک، سازگاری ندارد.

در خصوص خسارت انتظار و نفع متوقع نیز مقالاتی چند منتشر شده است که قاعدتاً محل بحث نگارندگان این مقاله به صورت مصداقی در خصوص آرای صادره دیوان عالی کشور نمی‌باشد، در یکی از این مقالات نفع متوقع را به عنوان معیار ارزیابی خسارت در حقوق ایران و حقوق قراردادهای اروپا بررسی کرده است (عطاری نازنین زهرا، قنواتی جلیل، قاسمی عهد وحید. تحلیل نفع متوقع به عنوان معیار ارزیابی خسارات قراردادی مقایسه حقوق نوین قراردادهای اروپایی و حقوق ایران. پژوهش‌های حقوق تطبیقی. ۱۳۹۸)، در مقاله دیگری تحت «عنوان ضابطه ارزیابی خسارات ناشی از نقض تعهد قراردادی در نظام های حقوقی و اسناد بین المللی» (امینی، منصور، پیری، جوادی. ۱۴۰۰). مجله حقوقی دادگستری) نگارنده جریان نظریه خسارت انتظار را در حقوق ایران نپذیرفته و نظرات موافق این امر را مخدوش می‌داند. همچنین در مقاله دیگری تحت عنوان

«بررسی خسارت انتظار ناشی از نقض قرارداد در کامن لا و حقوق ایران» (نعمت الهی اسماعیل پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب: ۱۳۹۵) نگارنده به واکاوی این خسارت و مصادیق آن پرداخته و برخی از این مصادیق را در حقوق ایران قابل جبران می‌داند و برخی موارد را مصداق عدم النفع و غیر قابل جبران می‌داند.

۳. مفهوم خسارت انتظار در حقوق کامن لا و حقوق قراردادهای اروپا

نفع متوقع یا خسارت انتظار به معنای این است که طرفی که قرارداد را نقض نکرده باید در موقعیتی قرار گیرد که در صورت اجرای صحیح قرارداد، در آن موقعیت به سر می‌برد (Eisenberg, 2002, 1136). خسارت انتظار (Expectation Damages) در نظام حقوق کامن لا به عنوان یکی از متداول‌ترین شیوه‌های جبران خسارت در نقض قراردادهای شناخته می‌شود. هدف اصلی این نوع خسارت، قرار دادن طرف متضرر در موقعیتی است که گویی قرارداد به طور کامل و بدون نقض اجرا شده است. به عبارت دقیق‌تر، خسارت انتظار به دنبال جبران منافی است که طرف متضرر در صورت اجرای صحیح و کامل قرارداد به دست می‌آورد (Corbin, 2012, 748).

بر اساس اصول حقوقی، خسارت‌های انتظار تنها شامل ضررهایی می‌شوند که در زمان انعقاد قرارداد قابل پیش‌بینی بوده‌اند. این اصل در پرونده کلاسیک *Hadley v. Baxendale* (1854) تبیین شده است، که در آن دادگاه تأکید کرد خسارت‌هایی قابل جبران هستند که به طور منطقی در چارچوب قرارداد و در زمان انعقاد آن قابل پیش‌بینی باشند (Farnsworth, 2004, p. 312). این پرونده به عنوان سنگ بنای تعیین حدود خسارت‌های قابل دریافت در حقوق قراردادهای محسوب می‌شود.

مطالعات Eisenberg (2006) نشان می‌دهد که خسارت انتظار نه تنها به جبران ضررهایی مستقیم می‌پردازد، بلکه نقش مهمی در حفظ انصاف و تعادل در روابط قراردادی ایفا می‌کند. این نوع خسارت به طرفین قرارداد اطمینان می‌دهد که در صورت نقض قرارداد، منافع اقتصادی آن‌ها محافظت خواهد شد. (Eisenberg, 2006, p. 945)

در مقایسه با خسارت اعتماد (Reliance Damages)، که به جبران هزینه‌هایی می‌پردازد که طرف متضرر در اتکا به قرارداد متحمل شده است، خسارت انتظار بر منافع آینده و سودهای از دست‌رفته متمرکز است. این تمایز در مطالعه مشهور Fuller و Perdue (1936) به تفصیل بررسی شده است. آن‌ها استدلال کردند که خسارت انتظار به دنبال جبران سودهای مورد انتظار است، در حالی که خسارت اعتماد به بازگرداندن وضعیت طرف متضرر به قبل از انعقاد قرارداد توجه دارد (Fuller & Perdue, 1936, p. 54). پس ارزیابی خسارات بر اساس نفع متوقع به عنوان یک قاعده اساسی در دکترین کامن لا شناخته می‌شود. هدف از جبران خسارات قراردادی، نزدیک کردن وضعیت طرف زیان‌دیده به حالتی است که در صورت اجرای درست قرارداد به آن دست می‌یافت.

این قاعده در نظام حقوقی انگلستان نیز به وضوح دیده می‌شود، و در دعاوی مرتبط با نقض قرارداد، طرف غیرمقصر باید در شرایطی قرار گیرد که گویی قرارداد به درستی اجرا شده است. منشا این اصل ابتدا در پرونده «رابینسون علیه هارمن»^۱ توسط قاضی جیمز پارک مطرح شده بود که در این دعوا قاضی استدلال می‌کند که زیان دیده حق دارد به میزان ما به التفاوت میان وضعیت خود پیش از قرارداد و آنچه در زمان قرارداد در فرض اجرا نصیب وی می‌شد مطالبه خسارت کند (Teh, E. K. 1977,71). این نظریه در پرونده *Smith v. Bolles* نیز مطرح شده است.

استفاده از این نظریه در پرونده مشهور «دست مو دار» *Hawkins v. McGee* نیز بحث بر انگیز شده بود که بر اساس آن پزشکی تعهد داده بود دست سوخته *Hawkins* را صد درصد و مانند روز اول درمان کند؛ اما در اثر کوتاهی درمان نتوانسته به خوبی درمان کند و با توجه به این که از پوست سینه بیمار به دست وی پیوند می‌زند دست هایی مو دار برای او کینز پیدا می‌شود در این مورد دادگاه عالی نیوهمپشایر حکم داد کرد که میزان خسارت اعطا شده باید برابر با تفاوت بین ارزش چیزی باشد که پزشک وعده دریافت آن را داده بود (یک "دست صد در صد خوب") و چیزی که او در واقع دریافت کرد (یک کف دست مودار) و همچنین هر گونه خسارت تصادفی که او در نتیجه نقض متحمل شده است (O'Gorman, 2010, 328). این مفهوم بنیادین در جبران خسارات ناشی از نقض قرارداد به گونه‌ای تفسیر می‌شود که زیان دیده حق دارد، تا حد امکان و با پرداخت خسارت مالی، به وضعیت مطلوب خود بازگردد. بدین ترتیب، هدف نهایی جبران خسارت، بازیابی شرایط زیان دیده و کاهش اثرات منفی ناشی از نقض قرارداد با بهترین شیوه ممکن است.

اسناد حقوق قراردادهای اروپایی در ارزیابی خسارات، به ویژه بر اساس معیار نفع متوقع، تأکید دارند. طبق ماده ۹:۵۰۲ اصول حقوق قراردادهای اروپایی PECL، هدف این است که طرف زیان دیده در موقعیتی قرار گیرد که اگر قرارداد به خوبی اجرا می‌شد، به آن دست می‌یافت. در واقع، این خسارات شامل ضررهایی است که زیان دیده متحمل شده و همچنین منافعی که از آن محروم گشته است.^۲

علاوه بر این، در حقوق بیع مشترک اروپایی CESL نیز به عنوان یک قاعده کلی در ارزیابی خسارات، اصل مذکور را مورد پذیرش قرار داده است. طبق ماده ۱۶۰ این سند، میزان خسارت باید به گونه‌ای تعیین شود که دائن را در موقعیتی قرار دهد که اگر تعهد به طور صحیح ایفا می‌شد، به آن دست می‌یافت و در صورت عدم امکان، تا حد ممکن در آن وضعیت قرار داده شود. این خسارات شامل ضرری است که زیان دیده متحمل شده و منافعی که از آن محروم گشته است.^۳

1. *Robinson v Harman* (1848) 1 Ex Rep 850, 154 ER 363

2. Article 9:502: The general measure of damages is such sum as will put the aggrieved party as nearly as possible into the position in which it would have been if the contract had been duly performed. Such damages cover the loss which the aggrieved party has suffered and the gain of which it has been deprived.

3. 160- The general measure of damages for loss caused by non-performance of an obligation is such sum as will put the creditor into the position in which the creditor would have been if the obligation had been duly performed, or, where that is not possible, as nearly as possible into that position. Such damages cover loss which the creditor has suffered and gain of which the creditor has been deprived.

۴. تبیین محل نزاع

نکته‌ی قابل ذکر در این باره این است که نفع متوقع و یا خسارت انتظار دارای مصادیق متعددی است و برخی مصادیق آن از نظر نگارنده محل بحث نیست؛ توضیح این که این گونه خسارت شامل خسارت: ۱- دست نیافتن به خود موضوع معامله ۲- از دست دادن منافع ناشی از دست نیافتن به موضوع معامله یا تاخیر در دستیابی به آن ۳- برخی هزینه‌ها که در زمره خسارت انتظار می‌گنجد و ۴- معیوب بودن کالای خریداری شده (نعمت الهی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۷) می‌باشد. مهمترین مصداق مورد بحث دست نیافتن به خود موضوع معامله است در این مورد باید دقت کرد که دست نیافتن ممکن است جنبه ابتدایی داشته باشد و از همان ابتدا فرد به مورد معامله دست نیابد و یا این که فرد مورد معامله را قبض نماید؛ اما به علت قانونی از ید وی خلع شود مانند بطلان بیع به علت مستحق للغیر در آمدن مبیع که این مورد هم مصداقی از دست نیافتن به موضوع معامله است. به این ترتیب با تبیین این مورد می‌توان گفت که عدم النفع و از دست دادن منافع (مورد ۲) محل بحث نیست؛ زیرا فارغ از اختلافات موجود در خصوص قابلیت مطالبه یا عدم قابلیت مطالبه عدم النفع در حقوق ایران (سکوتی، شمالی، ۱۳۹۰، ص ۹۵) در تحلیل مبانی رای وحدت رویه ۸۱۱ با مفهوم خسارت انتظار آنچه دارای اهمیت است همان دست نیافتن یا از دست رفتن مورد معامله است. همچنین با توجه به صدق ضرر و خسارت در خصوص موارد ۳ و ۴ این موارد در حقوق ایران قابلیت مطالبه دارند. در ادامه به تحلیل رای وحدت رویه ۸۱۱ بر مبنای دکترین خسارت انتظار پرداخته می‌شود.

۵. تحلیل رای وحدت رویه مبتنی بر نظریه خسارت انتظار

رای وحدت رویه شماره ۸۱۱ دیوان عالی کشور این گونه مقرر می‌کند که: با عنایت به مواد ۳۹۰ و ۳۹۱ قانون مدنی، در موارد مستحق للغیر در آمدن مبیع و جهل خریدار به وجود فساد، همانگونه که در رای وحدت رویه شماره ۷۳۳ مورخ ۱۳۹۳/۷/۱۵ هیات عمومی دیوان عالی کشور نیز بیان شده است، فروشنده باید از عهده غرامات وارده به خریدار از جمله کاهش ارزش ثمن، برآید. هرگاه ثمن وجه رایج کشور باشد، دادگاه میزان غرامت را مطابق عمومات قانونی مربوط به نحوه جبران خسارت از جمله صدر ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، عنداللزوم با ارجاع امر به کارشناس و بر اساس میزان افزایش قیمت (تورم) اموالی که از نظر نوع و اوصاف مشابه همان مبیع هستند، تعیین می‌کند و موضوع از شمول ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ خارج است.

همچنان که گفته شد؛ خسارت انتظار به نوعی از جبران خسارت اشاره دارد که هدف آن قرار دادن طرف متضرر در موقعیتی است که گویی قرارداد به طور کامل و بدون نقض اجرا شده است. این نوع خسارت به دنبال جبران خسارتی است که طرف متضرر در صورت اجرای صحیح و کامل قرارداد به دست می‌آورد. به عبارت دیگر، خسارت انتظار تلاش می‌کند تا طرف متضرر را در وضعیتی قرار دهد که گویی هیچ نقضی در قرارداد رخ نداده است.

رای وحدت رویه ۸۱۱ نیز که در پی رای وحدت رویه ۷۳۳ صادر شده است در تلاش است تا با استفاده از اطلاق عنوان غرامات کاهش ارزش ثمن پرداختی خریدار را بر عهده فروشنده عالم به غضب قرار دهد. زیرا اصل جبران کامل خسارات نیز مقتضی این است که خسارت به شکلی جبران بشود که فرد را در همان وضعیت قبل از ورود خسارت قرار دهد. مطابق این رویکرد، در مواردی که میباید به دلیل مستحق للغیر درآمدن باطل می‌شود و در پی آن، ارزش پول (ثمن پرداختی) کاهش می‌یابد، اگر استرداد عوضین صرفاً به ارزش اسمی ثمن صورت گیرد، خریدار متضرر خواهد شد. دلیل این امر آن است که خریدار در زمان پرداخت ثمن، امکان خرید میباید را با آن مبلغ داشته است؛ اما به دلیل تورم و کاهش ارزش پول، این امکان را از دست داده است. در چنین حالتی، فروشنده (بایع) موظف است وضعیت خریدار را به گونه‌ای بازگرداند که گویی بطلان بیع و استرداد میباید اتفاق نیفتاده است، بدین گونه است که فروشنده با استرداد ارزش مبادلاتی ثمن در زمان معامله این امکان را برای خریدار فراهم می‌آورد تا مال و یا ملکی را همانند آنچه از کف بداده (به دلیل مستحق للغیر درآمدن میباید) دوباره با خرید و معامله ای دیگر بازیابد و این به نوعی آن چیزی است که در وهله اول دغدغه ی دکترین خسارت انتظار و نفع متوقع می‌باشد که متضرر از قرارداد را به حالتی بازگرداند که گویی به قرارداد خدشه ای وارد نشده و همچنان امکان دست یابی به میباید مورد نظر را دارد و این امر را هوشمندی دیوان عالی کشور با در نظر گرفتن افزایش قیمت اموال مشابه همان میباید یا احتساب تورم موضوعی به جای تورم نوعی کاملاً فراهم آورده است.

مسئله‌ای که در اینجا ممکن است مورد پرسش قرار گیرد و توسط برخی از محققین نیز به عنوان یکی از ایرادات رأی مذکور مطرح شده است، این است که چرا فروشنده باید بار جبران کاهش ارزش ثمن را بر عهده بگیرد، در حالی که تورم ناشی از اقدامات و سیاست‌های دولت است و نه فروشنده؟ به عبارت دیگر، چگونه می‌توان تقصیر فروشنده و رابطه سببیت بین اقدامات وی و کاهش ارزش ثمن را مفروض دانست، در حالی که چنین تقصیری به طور مستقیم وجود ندارد؟ (جوادی، ۱۴۰۲، ص ۴۷؛ صادقیان و دیگران، ۱۴۰۳، ص ۲۶۵).

در پاسخ به این پرسش که چرا فروشنده فضول باید کاهش ارزش ثمن را جبران کند، باید تأکید نمود که در این مورد، احراز تقصیر فروشنده اصلاً موضوعیت ندارد و بنابراین، بحث رابطه سببیت و انتساب تورم به فروشنده نیز مطرح نمی‌شود. مسئله اصلی این است که فروشنده فضول موظف است هر آنچه را که در زمان قرارداد به عنوان ارزش اقتصادی دریافت کرده است، به همان شکل مسترد کند. به عبارت دیگر، فروشنده باید ارزش واقعی و اقتصادی مبلغ دریافتی را در زمان استرداد در نظر بگیرد، نه صرفاً ارزش اسمی آن (اگرچه این امر نافی آن نیست که مبانی خاصی را برای انتساب تلف شدن ارزش ثمن به فروشنده برشمرد که در بخش آخر مقاله به مواردی اشاره خواهد شد).

برای مثال، اگر فروشنده فضول در زمان انعقاد قرارداد مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان را به عنوان ثمن معامله دریافت کرده باشد و پس از چندین سال، به دلیل مستحق للغیر درآمدن میباید، مجبور به استرداد مبلغ ۱ میلیارد تومان به خریدار شود، جبران این

تفاوت ارزش اسمی ارتباطی با تقصیر فروشنده ندارد. دلیل این امر آن است که فروشنده در زمان قرارداد، ارزش اقتصادی ۱۰۰ میلیون تومان را دریافت کرده و از آن بهره‌مند شده است. ممکن است فروشنده با این مبلغ، اموالی را خریداری کرده باشد که با گذشت زمان، ارزش آن‌ها به بیش از ۱ میلیارد تومان افزایش یافته است.

علاوه بر این، از منظر رفتار متعارف اقتصادی، افراد معمولاً اموال خود را در معرض تضییع و کاهش ارزش قرار نمی‌دهند. بلکه با مبالغی که به دست می‌آورند، اقدام به معاملات دیگر می‌کنند تا ارزش آن مبالغ حفظ شود. بنابراین، اگر فروشنده فضول از مبلغ دریافتی استفاده کرده و آن را در معاملات دیگر به کار گرفته است، طبیعی است که باید ارزش واقعی آن مبلغ را در زمان استرداد محاسبه کند. این رویکرد مبتنی بر این است که افراد در معاملات خود «مالیت» و «ارزش اقتصادی» به دیگران تحویل می‌دهند و پول به معنای ارزش اقتصادی تعریف شده برای آن است (شهیدی، ۱۳۹۷، ۸۸) نه صرف ارزش اسمی آن. به عبارتی فرد به آن میزان «مالیت» تحویل داده است و نه «مال» و در حال حاضر فرق است بین مال و مالیت، پس معیار مالیت است و بنای عقلاء نیز بر همین اساس می‌باشد. (تقریرات درس خارج فقه، جوادی آملی، ۱۳۹۳/۱۱/۰۴) و همچنین فروشنده در مدتی که ثمن را در اختیار داشته از مزایای آن که همانا ارزش اقتصادی آن است منتفع شده است و در زمان استرداد نیز می‌بایست همین ارزش را مسترد دارد (موسوی، ۱۳۹۸، ص ۴۲۱). با این مبنا سخن برخی دیگر که رویکرد رای وحدت رویه مذکور را مبتنی عدم النفع و از دست دادن امکان دستیابی به منفعت تفسیر کرده اند بین الغی می‌باشد (خانلری، ۱۴۰۳، ص ۱۸۷)؛ زیرا در بطلان بیع عوضین باید مسترد شود و همچنان که گفته شد یکی از عوضین در اینجا مالیت و ارزش اقتصادی خاصی به میزان معینی بوده و در زمان استرداد نیز باید به همان میزان مسترد شود. این امر مستلزم این است که در جبران خسارت تورم موضوعی همان مبیع در نظر گرفته شود نه تورم نوعی؛ تورم نوعی به‌طور کلی با شاخص بانک مرکزی سنجیده می‌شود؛ اما تورم موضوعی به معنای جبران کاهش قدرت خرید خریدار برای تهیه کالایی مشابه کالای فروخته‌شده (مبیع) است. بر اساس رأی وحدت رویه شماره ۸۱۱، شاخص بانک مرکزی نمی‌تواند خسارات خریدار در معامله فضولی را به‌طور کامل جبران کند. بنابراین، باید از تورم موضوعی، یعنی جبران قدرت خرید خریدار برای خرید کالایی مشابه مبیع، استفاده شود تا خسارات خریدار به‌صورت دقیق و منصفانه ارزیابی و جبران گردد.

این موضوع در برخی از مقررات حقوق اروپایی که پیش‌تر ذکر شد، نیز بیان شده است. همچنین، در ماده ۳، ۱۸ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی آمده است:

«صرف‌نظر از این که قرارداد باطل اعلام شده است یا نه، طرفی که از وجود سبب بطلان آگاه است یا باید آگاه می‌بود، مسئول جبران خسارات طرف دیگر است، به گونه‌ای که طرف دیگر را در موقعیتی قرار دهد که اگر قرارداد منعقد نمی‌شد، از آن موقعیت برخوردار بود.» به عبارتی باید وضعیتی را ایجاد کند که گویی خسارت اصلاً رخ نداده است.

در حقوق آلمان نیز مشابه چنین رویکردی وجود دارد؛ در بند ۱ ماده ۲۴۹ قانون مدنی آلمان^۱ مقرر شده است که کسی که موظف به جبران خسارت است باید وضعیتی را ایجاد کند که اگر عامل زیان آن خسارت را ایجاد نمی کرد فرد در آن وضعیت وجود می داشت.

در حقوق فرانسه نیز به طور غیر مستقیم به جبران کاهش ارزش پول نیز اشاره شده است مطابق ماده ۱۲۳۱ قانون مدنی فرانسه: «بدهکار در صورت لزوم محکوم به پرداخت خسارت می شود، خواه به دلیل عدم اجرای تعهد، خواه به دلیل تأخیر در اجرای تعهد، مگر این که ثابت کند که عدم اجرا ناشی از علتی خارجی است که نمی توان آن را به او نسبت داد، حتی اگر هیچ سوءنیتی از جانب او وجود نداشته باشد.»^۲

۶. دیدگاه مخالفین رویکرد رأی وحدت رویه ۸۱۱

در مقابل اشاره به مبانی و برخی دیدگاه ها در خصوص تایید رویکرد رأی وحدت رویه اخیرالذکر برخی؛ اما مبتنی بر آرای عده ای از فقها رأی وحدت رویه ۸۱۱ را مغایر با شرع و آن را بدعتی ناهمگون دانسته اند (صادقیان و دیگران، ۱۴۰۳، ۲۶۳ و ۲۷۰)، جالب آنکه در میان فقهای معاصر نیز اکثر فقها قائل به جبران خسارت ناشی از تورم می باشند و قاعدتاً مخالفت یک رأی با آرای برخی از فقها در موارد اختلافی خلاف شرع تلقی نمی شود.

به طور کلی، فقیهانی که در مورد جواز جبران کاهش ارزش پول اظهار نظر کرده اند، به سه دسته تقسیم می شوند. دسته اول کسانی هستند که جبران کاهش ارزش پول را غیرمجاز می دانند و برای این دیدگاه خود چهار دلیل ارائه کرده اند. دسته دوم، فقیهانی هستند که نه تنها جبران کاهش ارزش پول را جایز می شمارند، بلکه آن را ضروری می دانند. این گروه نیز برای اثبات نظر خود نه دلیل مطرح کرده اند. دسته سوم، فقیهانی هستند که دلایل هر دو گروه را نسبتاً قابل قبول دانسته اند و نقد جدی بر هیچ یک از این دو دیدگاه وارد نکرده اند. این گروه در مورد جبران کاهش ارزش پول، رویکرد احتیاط آمیز و مصلحت جویانه اتخاذ کرده اند (محمودی، ۱۳۹۹، ۴۱).

مخالفین عدم جبران کاهش ارزش پول (مانند آیت ... تبریزی و سیستانی) به مثلی بودن پول اشاره کرده اند و بیان داشته اند که پول سند مال نیست بلکه خود مال است و از اموال مثلی نیز محسوب می شود بنابراین در جایی که پول رایج مورد بدهی باشد نمی توان بیشتر از همان مبلغ را مطالبه کرد (به نقل از محمودی، ۱۳۹۹، ص ۴۱). در پاسخ به این نظر می توان گفت در حال پول به خودی خود ارزش و مال حساب می شود اگرچه در واقع نماینده مال می بایست تلقی شود؛ اما در عرف پس

1. Wer zum Schadensersatz verpflichtet ist, hat den Zustand herzustellen, der bestehen würde, wenn der zum Ersatz verpflichtende Umstand nicht eingetreten wäre.

2. Le débiteur est condamné, s'il y a lieu, au paiement de dommages et intérêts soit à raison de l'inexécution de l'obligation, soit à raison du retard dans l'exécution, s'il ne justifie pas que l'inexécution provient d'une cause étrangère qui ne peut lui être imputée, encore qu'il n'y ait aucune mauvaise foi de sa part.

از معامله افراد پشتوانه پول را ارزیابی و بررسی نمی‌کنند بلکه با قبض پول دین خود را دریافت شده تلقی می‌کنند. از طرف دیگر به ربوی پول جبران کاهش ارزش ثمن اشاره کرده‌اند (گندمکار، ۱۴۰۲، ص ۱۹۴) در حالی که فارغ از این که بطلان بیع با قرض دارای تفاوت می‌باشد باید گفت استرداد و بازپرداخت اصل مال مطابق عرف زیادت تلقی نمی‌شود که صدق ربا کند (گندمکار، ۱۴۰۲، ص ۱۹۴)، همچنین دلیل دیگری که در خصوص عدم جبران کاهش ارزش پول به آن استناد شده است وصف عدم صدق کاهش و افزایش پول می‌باشد. با این توضیح که این اجناس دیگر است که افزایش پیدا می‌کنند و کاهش ارز پول معنا ندارد که بتوانیم آن را مطالبه کنیم (محمودی، ۱۳۹۹، ص ۴۲). در حالی که عرف بین افزایش قیمت و کاهش ارزش پول ملازمه می‌بینند همانگونه که بحث شد پول میزانی ارزش اقتصادی است که به اندازه همین ارزش اقتصادی با آن برخورد و معامله می‌شود. امری که مورد استناد موافقین نیز قرار گرفته است همچنان که آیت... نوری همدانی اساسا فلسفه وجود پول را همین ارزش اقتصادی می‌داند، همچنان که برخی دیگر از فقها مانند موسوی بجنوردی اساسا بحث از مثلی و قیمی را در خصوص پول وارد نمی‌داند (محمودی، ۱۳۹۹، ص ۴۲). براین اساس به جز این موارد موافقان جبران کاهش ارزش پول به قاعده لاضرر، قاعده عدل و انصاف نیز استناد کرده‌اند که برای تفصیل این موارد می‌توان به منابع مراجعه کرد (محمودی، ۱۳۹۹، ص ۴۶؛ گندمکار، ۱۴۰۲، ص ۲۰۲).

۷. مبانی فقهی و حقوقی رای وحدت رویه ۸۱۱ با توجه به برخی مبانی خسارت انتظار

در خصوص مبانی رای وحدت رویه ۸۱۱ مبتنی بر نظریه خسارت انتظار که همانا قراردادن وضعیت زیان دیده در حالت پسا قراردادی و یا در حالتی که گویی خسارتی متوجه وی نشده می‌توان جلوه‌هایی را در حقوق ج.ا.ایران و فقه امامیه مشاهده کرد.

- **اجرای عین موضوع تعهد؛** همچنان که می‌دانیم در حقوق موضوعه کشور اصل بر این است که عین موضوع قرارداد باید اجرا بشود (قاسم زاده، ۱۳۸۸، ص ۲۱۸) و فسخ و جبران خسارت در وهله بعدی قرار دارد. این اصل از مواد ۲۳۷ و ۲۳۸ قانون مدنی در بخش مربوط به شروط نیز قابل استنباط است. بر این اساس، در تعهدات اصلی نیز ابتدا باید متعهد را به انجام تعهد وادار کرد و تنها در صورتی که اجبار ممکن نباشد و موضوع تعهد از جمله اعمالی نباشد که شخص دیگری بتواند از طرف متعهد انجام دهد، طرف مقابل حق فسخ معامله را خواهد داشت. بنابراین، در حقوق ایران، چه در تعهدات اصلی (مواد ۳۷۶ تا ۳۹۵ ق.م.) و چه در تعهدات ضمنی (مواد ۲۳۷ تا ۲۴۰ ق.م.)، اصل بر این است که ابتدا متعهد به انجام تعهد الزام می‌شود و در صورت عدم امکان اجبار، سایر راههای جبران مانند فسخ یا مطالبه خسارت در نظر گرفته می‌شود (خورسندیان، بصیر، ۱۴۰۱، ص ۷۱). این امر موافق نظر فقهای است که الزام و وجوب وفای به شرط را مقدم بر فسخ و در طول آن می‌دانند (نراقی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۳۷؛ کرکی،

بی تا، ج ۵، ص ۱۰۵) در این مورد باید دقت که این الزام به انجام تعهد اگرچه جنبه جبران خسارت ندارد؛ اما همان هدف و مبانی خسارت انتظار را دنبال می کند و آن قرار دادن فرد در وضعیت پسا قراردادی است.

• **تادیه به قیمت یوم الادا؛** یکی از مبانی مهم در حقوق ایران، لزوم جبران خسارت بر اساس نرخ روز است. این اصل نشان دهنده‌ی این اندیشه است که قانون به دنبال جبران کامل خسارت وارده به زیان دیده است. بر این اساس، آنچه که نقض کننده‌ی تعهد باید پرداخت کند، بهایی است که تغییرات قیمت‌ها در بازار را نیز در نظر می گیرد. به عبارت دیگر، دادگاه در تفسیر نرخ روز باید هم خسارت‌های ناشی از نقض قرارداد و هم منافی را که زیان دیده از دست داده است، مدنظر قرار دهد. در غیر این صورت، جبران خسارت به صورت کامل و عادلانه محقق نخواهد شد. دلیل این امر آن است که تعهد مدیون به جبران خسارت، با حکم دادگاه به مرحله‌ی اجرا درمی آید و به یک دین پولی تبدیل می شود. تنها در این صورت است که ضرر ناشی از عدم اجرای تعهد به طور کامل جبران می شود و وضعیت زیان دیده به حالتی که در صورت اجرای قرارداد انتظار داشته است، بازمی گردد (قنوتی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۳). در واقع از نظر مبانی فقهی اگرچه زمان اشتغال ذمه ضامن روز تلف است؛ اما با این حال عین مال بر ذمه ست و در روز ادای مافی الذمه از ذمه ساقط می گردد. سید محمد کاظم طباطبایی می گوید ذمه ضامن به عین با تلف شدن همچنان بر ذمه باقی است تا هنگام پرداخت قیمت؛ زیرا ذمه ضامن تا آن روز به عین مشغول بوده؛ پس باید قیمت عین در روز ادا در نظر گرفته شود (الطباطبائی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۶۰۲؛ جواهری، بی تا، ج ۱۰، ص ۱۱۰).

• **اصل جبران کامل خسارت** نیز می تواند از دیگر مبانی پذیرش خسارت انتظار و رای وحدت رویه ۸۱۱ باشد. در راستای اصل جبران کامل خسارت، هدف این است که زیان دیده‌ی قراردادی در موقعیتی قرار گیرد که گویی تعهد به طور کامل انجام شده است. این اصل در حقوق ایران پذیرفته شده و بر اساس آن، زیان دیده باید به وضعیتی بازگردد که اگر نقض قرارداد رخ نمی داد، در آن وضعیت قرار داشت. تفسیر نرخ روز و استنباط از قوانین موجود نشان می دهد که حقوق ایران این قابلیت را دارد که بر اساس اصل جبران کامل خسارت، معیار نفع مورد انتظار را به رسمیت بشناسد. ماده ۲۲۱ قانون مدنی ایران به مسئولیت ناشی از تخلف از تعهد اشاره می کند و مقرر می دارد که اگر شخصی تعهد به انجام کاری کند یا تعهد به خودداری از انجام کاری نماید، در صورت تخلف، مسئول جبران خسارت طرف مقابل است. شرط مسئولیت این است که جبران خسارت یا به طور صریح در قرارداد ذکر شده باشد، یا به طور عرفی قابل استنباط باشد، یا بر اساس قانون موجب ضمان باشد. با این حال، این ماده در مورد میزان خسارت و معیار محاسبه آن ساکت است. در اینجا نفع مورد انتظار به عنوان یک معیار مهم مطرح می شود. نفع مورد انتظار به منافی اشاره دارد که زیان دیده در صورت اجرای کامل قرارداد به دست می آورد. بر

اساس این معیار، خسارت باید به گونه‌ای محاسبه شود که زیان‌دیده را در موقعیتی قرار دهد که گویی تعهد به‌طور کامل انجام شده است (قنواتی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۴).

- در خصوص لزوم توجه به نرخ تورم می‌توان به روایت امام کاظم (ع) توجه کرد: أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا إِبرَاهِيمَ ع - عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ لِي عَلَيْهِ الْمَالُ فَيَقْضِي بَعْضًا دَنَانِيرَ وَبَعْضًا دَرَاهِمَ فَإِذَا جَاءَ يُحَاسِبُنِي لِيُؤْفِقَنِي كَمَا يَكُونُ قَدْ تَغَيَّرَ سِعْرُ الدَّنَانِيرِ أَيْ السَّعْرَيْنِ أَحْسَبُ لَهُ الَّذِي كَانَ يَوْمَ أَعْطَانِي الدَّنَانِيرَ أَوْ سِعْرَ يَوْمِي الَّذِي أَحْسَبُهُ قَالَ سِعْرَ يَوْمٍ أَعْطَاكَ الدَّنَانِيرَ لِأَنَّكَ حَبَسْتَ مَنَفَعَتَهَا عَنْهُ. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۴۸)؛ در روایتی که مرحوم کلینی از اسحاق بن عمار نقل کرده است، وی از امام کاظم (ع) پرسید: اگر فردی طلبی از من داشته باشد و به تدریج بخشی از آن را به صورت دینار و بخشی را به صورت درهم پرداخت کند؛ اما در زمان تسویه حساب، ارزش دینار و درهم تغییر کرده باشد، آیا باید ارزش روز پرداخت یا ارزش روز تسویه حساب را مبنای محاسبه قرار داد؟ امام (ع) پاسخ دادند: ارزش روز پرداخت ملاک است، زیرا منافع مال در طول این مدت نزد طلبکار بوده و او از افزایش ارزش آن بهره برده است. این اصل نشان‌دهنده‌ی لزوم محاسبه تورم و تغییرات ارزش پول در جبران خسارات است (تقریرات درس خارج فقه، جوادی آملی، ۱۳۹۳/۱۱/۰۴).

- روایت دیگری از امام کاظم نیز در این خصوص قابل توجه خواهد بود: «وَرَوَى أَبَانُ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي إِبرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الرَّجُلُ يَكُونُ لَهُ عَلَى الرَّجُلِ الدَّنَانِيرُ فَيَأْخُذُ مِنْهُ دَرَاهِمَ ثُمَّ يَتَغَيَّرُ السَّعْرُ قَالَ «هِيَ لَهُ عَلَى السَّعْرِ الَّذِي أَخَذَهَا يَوْمَئِذٍ وَإِنْ أَخَذَ دَنَانِيرَ وَكَانَ لَهُ دَرَاهِمٌ عِنْدَهُ فَدَنَانِيرُهُ عَلَيْهِ يَأْخُذُهَا بِرُءُوسِهَا مَتَى شَاءَ» (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ۲۸۸/۳). این روایت بیان می‌کند که اگر فردی دینار بدهکار باشد و طلبکار از او درهم دریافت کند، سپس ارزش دینار تغییر یابد، محاسبه باید بر اساس ارزش روز دریافت پول انجام شود، نه ارزش روز تسویه حساب. این اصل نشان‌دهنده‌ی لزوم توجه به تورم اقتصادی و ارزش واقعی پول است. این رویکرد عقلایی و منطقی است و در مسائل مالی مانند مهریه نیز قابل اعمال است. به عنوان مثال، اگر مهریه‌ای پنجاه سال پیش معادل صد هزار تومان تعیین شده باشد، امروز باید معادل ارزش واقعی آن زمان پرداخت شود، زیرا معیار، مالیت (ارزش اقتصادی) است، نه مبلغ اسمی. در گذشته، به دلیل ثبات نسبی قیمت‌ها، تفاوت بین مال و مالیت چندان محسوس نبود؛ اما امروزه با توجه به تغییرات شدید ارزش پول و کالاها، این تفاوت بسیار آشکار است. بنابراین، در محاسبات مالی، ارزش واقعی و قدرت خرید باید ملاک قرار گیرد، نه مبلغ اسمی. این اصل به‌طور کلی بر لزوم تطبیق تعهدات مالی با شرایط اقتصادی و حفظ عدالت در روابط مالی تأکید می‌کند (تقریرات درس خارج فقه، جوادی آملی، ۱۳۹۳/۱۱/۰۴).

• **قاعده غرور:** یکی از قواعدی که به استناد آن الزام بایع (فروشنده) به جبران خسارت را توجیه می‌شود. بر اساس نظر برخی از فقهای مشهور، استناد به قاعده غرور در مواردی که بایع (فروشنده) جاهل به مستحق للغير بودن میع (مالکیت شخص دیگر بر کالا) بوده است، الزام بایع به جبران خسارت مشتری را توجیه نمی‌کند. به عبارت دیگر، اگر فروشنده از این که کالا متعلق به شخص دیگری است، بی‌اطلاع باشد، نمی‌توان به قاعده غرور استناد کرد و او را ملزم به جبران خسارت دانست.

همانطور که برخی از فقها، مانند نراقی، بیان کرده‌اند، علت رجوع مشتری به بایع، فریب دادن بایع (با توجه به عالم بودن به مستحق للغير بودن میع) و فریب خوردن مشتری است که تحت حاکمیت قاعده غرور قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، تنها در صورتی که فروشنده عالم به مستحق للغير بودن کالا باشد و با علم به این موضوع، مشتری را فریب دهد، قاعده غرور جاری می‌شود و فروشنده مسئول جبران خسارت است. (نراقی، بی تا، ج ۱۴، ۲۹۶؛ خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۹). با این حال، برخی دیگر از فقها در صدق عنوان غرور، تفاوتی بین غار عالم (فریب‌دهنده آگاه) و غار جاهل (فریب‌دهنده ناآگاه) قائل نیستند و معتقدند که قاعده غرور در هر دو حالت قابل اعمال است، زیرا اصل، جلوگیری از ضرر و زیان ناعادلانه به افراد است، صرف نظر از آگاهی یا عدم آگاهی فریب‌دهنده (سبزواری، بی تا، ج ۱۶، ص ۳۵۰؛ یزدی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۷۹) به نظر آنچه اقوا به نظر می‌رسد و در قانون مدنی نیز همین مبنا اتخاذ شده (ماده ۲۶۳ قانون مدنی) این است که در خصوص غار علم و جهل تاثیری ندارد و آنچه دارای اهمیت است جهل مغرور است و به عبارتی در قاعده غرور «فریب دادن» موضوعیت ندارد بلکه «فریب خوردن» دارای اهمیت است؛ زیرا در صدق غرور فقط لازم است که یک نفر دیگری را بر عملی که متضمن ضرر است، تشویق و ترغیب کند، هر چند ترغیب‌کننده به ترتب ضرر بر آن عمل جاهل باشد به عبارت دیگر «صدق عنوان افعال احتیاجی به علم ندارد» (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۷۰). در خصوص رای وحدت رویه نیز مبانی غرور می‌تواند یکی از مبانی باشد که بایع (چه جاهل یا چه عالم) از جهت فریب خوردن مشتری ملزم به جبران خسارت وی خواهد بود.

• **قاعده «ما یضمن بصحیحه یضمن بفاسده»:** یکی دیگر از مبانی است که می‌توان در این خصوص به آن اشاره کرد.

این که در متون شرعی (آیات و روایات) عبارتی صریح با این مضمون نیامده است، به این معنا نیست که چنین حکمی در شریعت وجود ندارد؛ بلکه این مفهوم از قواعد کلی فقهی مانند قاعده ید، قاعده اقدام و قاعده احترام استنباط می‌شود. در واقع، فقها با استفاده از این قواعد، به این نتیجه رسیده‌اند که مسئولیت‌های ناشی از اعمال حقوقی، در حالت فساد نیز مشابه حالت صحت است. البته، گستردگی یا محدودیت این استنباط به اجتهاد فقیه و دیدگاه او بستگی دارد. بر این اساس، برخی از فقها با تعبیری محدودتر بیان کرده‌اند: «هر عقدی که در حالت صحیح ضمان

دارد، در حالت فاسد نیز ضمان دارد». استناد به قاعده مایضمن دلالت مطابقی تری از قاعده علی الید دارد اگرچه استدلال به علی الید نیز مقصود را می‌رساند. این قاعده برگرفته از حدیث نبوی معروف «علی الید ما أخذت حتی تؤدیه» است. مفاد این قاعده آن است که هر کس بر مال دیگری تسلط پیدا کند، به هر شکلی (اعم از عدوانی یا غیرعدوانی، با علم یا بدون علم)، ضامن آن مال محسوب می‌شود (انصاری، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۸۰). در مواردی که فروشنده (بایع) مال متعلق به غیر را می‌فروشد و ثمن را از خریدار دریافت می‌کند، اگر مالک معامله را رد کند، معامله از ابتدا باطل می‌شود (یعنی میبیع مستحق للغیر می‌شود) و ثمنی که بایع از خریدار دریافت کرده است، به عنوان مقبوض به عقد فاسد تلقی می‌گردد. در این حالت، تسلط بایع بر ثمن، ید ضمانی محسوب می‌شود. (خانلری، ۱۴۰۳، ص ۱۷۸) در این راستا ماده ۳۶۶ قانون مدنی نیز مقرر می‌دارد: «هرگاه کسی به بیع فاسد مالی را قبض کند، باید آن را به صاحبش رد نماید و اگر تلف یا ناقص شود، ضامن عین و منافع آن خواهد بود».

وقتی ید، ضمانی تلقی شود، بایع مسئول جبران تمامی خساراتی است که بر مال وارد می‌شود (ماده ۳۶۶ قانون مدنی)، حتی اگر این خسارات ناشی از عوامل خارجی باشد و بین عمل بایع (فروش مال متعلق به غیر) و خسارت وارد شده (مانند کاهش ارزش ثمن) رابطه سببیت یا علیتی مستقیم وجود نداشته باشد. بنابراین، با استناد به قاعده ضمان ید به عنوان مبنای الزام بایع به جبران خسارت ناشی از کاهش ارزش ثمن، دیگر نیازی به اثبات رابطه سببیت بین عمل بایع و خسارت وارد شده نیست. از سوی دیگر، با پذیرش قاعده ضمان ید به عنوان مبنای مسئولیت بایع، ایراد دیگری که در مورد قاعده تسبیب مطرح می‌شود (یعنی لزوم علم بایع به مستحق للغیر بودن میبیع) در اینجا قابل طرح نیست. زیرا در قاعده ضمان ید، علم یا جهل بایع نسبت به فاسد بودن عقد، تاثیری در مسئولیت او ندارد و بایع در هر صورت ملزم به جبران خسارت وارد شده به خریدار جاهل است.

پس از اشاره به دو قاعده فوق باید دانست که ضمان در این موارد ضمان به «مال» قبض شده نیست؛ بلکه ضمان به «مالیت» قبض و اخذ شده است همچنان که در بالا نیز اشاره شد. یعنی وقتی شخصی بر مال دیگران تسلط پیدا می‌کند (چه به صورت عقد صحیح و چه فاسد)، مالیت آن مال را ضامن است؛ اما تفاوت این است که در عقد صحیح، مالیت مال به ثمن (مبلغ مشخص شده در معامله) محدود می‌شود، در حالی که در عقد فاسد، مالیت مال به بدل (جایگزین) برمی‌گردد که این بدل می‌تواند مثل (معادل عینی) یا قیمت (ارزش مالی) باشد؛ لذا وقتی که بایع مال غیر را به مشتری می‌فروشد و مبلغی را اخذ می‌کند (مالیت) پس از بطلان و در زمان استرداد نیز باید همان (مالیت) را مسترد گرداند (تقریرات درس خارج فقه، جوادی آملی، ۱۳۹۳/۰۲/۰۲).

• **قاعده من له الغنم فعلیه الغرم مبتنی بر قاعده استرداد عوضین؛ یکی دیگر از مواردی است که در**

توجیه رای مذکور مبتنی بر خسارت انتظار قابل اتکا خواهد بود، معنای این قاعده، تلازم بین خسارت و فایده

است. به این معنا که هر کس به طور شرعی از فایده‌ی مالی بهره‌مند شود، مسئول جبران خسارت ناشی از آن مال نیز خواهد بود. بر این اساس، گاهی از این قاعده به قاعده تلازم بین نماء (رشد و فایده) و درک (خسارت) تعبیر می‌شود (المصطفوی، بی تا، ص ۲۸۴). این امر می‌تواند پاسخی باشد به کسانی که عدم وجود رابطه سببیت بین تورم و فعل بایع فضول را از ایرادات رای مزبور دانسته اند همچنان که در بالا به استدلال این افراد اشاره شد، بر این مبنا می‌توان گفت اولاً؛ در صورت انحلال و یا بطلان بیع طرفین ملزم به **استرداد عوضین** هستند و تردیدی در استرداد عوضین وجود ندارد، ثانیاً؛ در استرداد عوضین فرد باید همان عوض را کاملاً مسترد دارد و وقتی یکی از عوضین پول بوده است با توجه به این که ارزش گذاری و مالیت پول در طول زمان تغییر پیدا می‌کند فرد باید همان ارزش اقتصادی و مالیت زمان معامله را مسترد دارد. در این زمینه باید توجه داشت اگر اشکال وارد شود که فرد تقصیری در افزایش نرخ تورم نداشته است می‌توان به قاعده من له غنم اشاره کرد بر این اساس که بایع فضول در بحث ما، با اخذ مبلغ و مالیت در تاریخ معامله ارزشی را به دست آورده و با این مالیت چه بسا اقدام به معاملات دیگر و استفاده و انتفاع از آن کرده است و حال در زمان استرداد آن نیز باید به همان اندازه مسترد بدارد زیرا مبتنی بر این قاعده بین انتفاع و خسارت ملازمه وجود دارد؛ لذا می‌توان گفت ضروری از این جهت به بایع نرسیده است.

نتیجه‌گیری

رأی وحدت رویه شماره ۸۱۱ دیوان عالی کشور، با هدف جبران خسارت مشتری و حفظ وضعیت پس از قرارداد، بر اصولی مانند اجرای عین تعهد، تادیه به قیمت یوم الادا (جبران خسارت بر اساس نرخ روز)، و اصل جبران کامل خسارت استوار است. این رویکرد با قواعد فقهی مانند قاعده غرور، قاعده «ما یضمن بصحیحه یضمن بفاسده»، و قاعده من له الغنم فعلیه الغرم نیز هم‌خوانی دارد. بر این اساس، فروشنده (بایع) مسئول جبران خسارت ناشی از کاهش ارزش ثمن است، حتی اگر خسارت ناشی از عوامل خارجی مانند تورم باشد. این رویکرد نه تنها با حقوق ایران و فقه امامیه سازگار است، بلکه می‌تواند به عنوان مبنایی برای ایجاد قاعده‌ای واحد در موارد مشابه مورد استفاده قرار گیرد.

در این راستا، دیوان عالی کشور با توجه به تغییرات ارزش پول و تورم، سعی کرده است تا مشتری را در وضعیتی قرار دهد که گویی قرارداد باطل نشده و همان وضعیت پس از قرارداد برای وی حفظ شده است. این رویکرد مشابه خسارت انتظار در حقوق کامن لا و برخی قواعد قراردادهای اروپایی است، که هدف آن جبران کامل خسارت و حفظ منافع متوقع طرفین قرارداد است.

منابع

- آیت الله جوادی آملی، درس خارج فقه، ۱۳۹۳/۰۲/۰۲، مدرسه فقاها؛
<https://eshia.ir/Feqh/Archive/text/javadi/feqh/92/930202/%D9%85%D9%82%D8%A8%D9%88%D8%B6%20%D8%A8%D9%87%20%D8%B9%D9%82%D8%AF%20%D9%81%D8%A7%D8%B3/%D8%AF%20%D8%A8%D8%A7%DB%8C%D8%B9>
- آیت الله جوادی آملی، درس خارج فقه، ۱۳۹۳/۱۱/۰۴، مدرسه فقاها؛
[/https://eshia.ir/feqh/archive/text/javadi/feqh/93/931104](https://eshia.ir/feqh/archive/text/javadi/feqh/93/931104)
- ابن بابویه، محمد بن علی، غفاری، علی اکبر، و غفاری، علی اکبر. (۱۴۰۴ق). من لا یحضره الفقیه. قم: جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم. مؤسسه النشر الإسلامی
- الشیخ الكلینی، الاصول من الکافی، (۱۴۰۷ق)، تهران، دار الکتب الإسلامیة
- جعفری، نصراله، & ناصری، پریسا. (۱۴۰۳). ارزش روز مبیع در ترازوی سنجش غرامات خریدار و قاعده‌مندی سازی رأی وحدت رویه شماره ۸۱۱. *مطالعات حقوقی*، ۱۶(۳)
- جوادی، مهدی. (۱۴۰۲). تحلیل و نقد رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور پیرامون مسؤولیت فروشنده در ضمان درک. *دو فصلنامه نقد و تحلیل آراء قضایی*، ۲(۳)
- الجواهری، الشیخ محمد، بی تا، الواضح فی شرح العروة الوثقی، ج ۱۰، العارف للمطبوعات
- خانلری بهنمیری، حسین. (۱۴۰۳). بازخوانی و نقد رأی وحدت رویه شماره ۸۱۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور با نگاهی به قواعد فقهی. فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۵۷(۱)، ۱۶۱-۱۷۸، doi: 10.22059/jzfil.2024.375791.669671
- خوبی، ابوالقاسم، (۱۴۱۰)، *منهاج الصالحین*. بیروت: دار التراث السالمی. ۱۴۱۰
- سبزواری، سید عبدالعلی، (بی تا)، *مهذب الاحکام فی بیان حلال و الحرام*. قم: دارالتفسیر.
- خوردسندیان، محمدعلی و محمدی بصیر، فرهاد. (۱۴۰۱). الزام به اجرای عین تعهدات قراردادی در حقوق ایران در مقایسه با اسناد نوین حقوق خصوصی. *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی*، ۲۲(۷۹)، ۶۷-۹۶.
- ریاحی، علی اصغر، صادقی، محمود، و یارساپور، محمدباقر. (۱۳۹۷). تقدم حق الزام به اجرای تعهد بر حق فسخ در آرای دادگاه‌های ایران و نقد آن. *مجله علمی "حقوق خصوصی"*، ۱۵(۲)، ۲۴۱-۲۵۹
- سکوتی نسیمی، رضا و شمالی، نگار. (۱۳۹۰). جایگاه عدم النفع در نظام حقوقی ایران. *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ۲(۲)، ۷۹-۹۸.
- شهیدی، مهدی، (۱۳۹۷) *نظریه های حقوقی و لوایح*، به کوشش ایران‌دخت نظری، ج ۱، تهران، مجد
- صادقیان، مهدیه، ضیاء الاسلامی، علی و صادقی راد، مهدی. (۱۴۰۳). تحلیل انتقادی مبانی رأی وحدت رویه ۸۱۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور. *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ۲۷(۳)، ۲۵۵-۲۷۴، doi: 10.48308/jlr.2024.229734.2379
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم. حاشیه بر مکاسب. چاپ چهارم، موسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۰.
- الطباطبائی الیزدی، السید محمد کاظم، (۱۴۰۹ق)، *العروة الوثقی* (طبع قدیم، للسید الیزدی)، لبنان- بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات
- عطاری نازنین زهرا، قناتی جلیل، قاسمی عهد وحید. (۱۳۹۸)، تحلیل نفع متوقع به عنوان معیار ارزیابی خسارات قراردادی مقایسه حقوق نوین قراردادهای اروپایی و حقوق ایران. *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*؛ ۲۳(۱): ۹۹-۱۲۶
- عطاری، نازنین زهرا، قناتی، جلیل، قاسمی عهد، وحید. (۱۴۰۱). اصول حاکم بر ضمانت اجراهای نقض قرارداد از منظر نفع متوقع در حقوق نوین اروپایی و ایران. *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی*، ۲۴(۸۵)، ۹۷-۱۲۰.

قاسم زاده، سید مرتضی، (۱۳۸۸)، اصول قراردادها و تعهدات، نشر دادگستر.

کرکی، (محقق ثانی)، (۱۴۱۱ق). شیخ علی بن حسین، جامع المقاصد، ج ۵، موسسه آل البیت.

گندمکار، رضاحسین. (۱۴۰۲). نقد و بررسی فقهی-حقوقی مسئولیت مدیون به جبران کاهش ارزش پول با تأکید بر فقه امامیه. پژوهش

های فقهی مسائل مستحدثه، (۱)، ۱۸۵-۲۱۲. doi: 10.22091/rcjl.2023.8841.1011

محقق داماد، (۱۴۰۶ق)، سید مصطفی. قواعد فقه (جلد اول). چاپ دوازدهم، مرکز نشر علوم اسلامی.

محمودی، عبدالله. (۱۳۹۹). قلمرو ضمان درک بایع با تأکید بر جبران غرامات ناشی از کاهش ارزش پول. مجله فقهی - حقوقی رسائل،

۳۹-۶۱، (۹)۴.

مصطفوی، سید محمد کاظم، (بی تا)، القواعد مائنه قاعدة فقهیه معنی ومدیرکا ومورد. جلد ۱، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه

المدرسين بقم المشرفه.

موسوی، سید عباس. (۱۳۹۸). مسئولیت بایع در پرداخت خسارت ناشی از مستحق للغير در آمدن مبیع. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق

تطبیقی، (۴)۲، ۴۱۴-۴۳۲.

نراقی، ملا احمد، (بی تا)، مستند الشیعه، ج ۱۴، مشهد، مؤسسه آل البیت علیهم السلام لایحیاء التراث

نراقی، مولی احمد بن محمد، (۱۴۱۷ق)، عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

نعمت اللهی، اسماعیل. (۱۳۹۵). بررسی خسارت انتظار ناشی از نقض قرارداد در کامن لا و حقوق ایران. پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و

غرب، (۳)۳، ۱۲۹-۱۵۶.

منابع خارجی

- O'Gorman, D. P. (2010). Expectation Damages, the Objective Theory of Contracts, and the Hairy Hand Case: A Proposed Modification to the Effect of Two Classical Contract Law Axioms in Cases Involving Contractual Misunderstandings. *Ky. LJ*, 99, 327.
- Eisenberg, M. A., & McDonnell, B. H. (2002). Expectation damages and the theory of overreliance. *Hastings LJ*, 54, 1335.
- Teh, E. K. (1977). Recovery of Actual Loss and Notional Loss in Contract. *Irish Jurist* (1966-), 12(1), 71-98.
- Markovits, D., & Schwartz, A. (2011). The Myth of Efficiency Breach: New Defenses of the Expectation Interest. *Va. L. Rev.*, 97, 1939.
- Goldberg VP, ed. The expectation interest, the reliance interest, and consequential damages. In: *Readings in the Economics of Contract Law*. Cambridge University Press; 1982:75-76.
- Corbin, A. L. (2012). *Corbin on Contracts*. West Academic Publishing.
- Eisenberg, M. A. (2006). The Principle of Hadley v. Baxendale. *California Law Review*, 94(3), 945-976.
- Farnsworth, E. A. (2004). *Contracts*. Aspen Publishers.
- Fuller, L. L., & Perdue, W. R. (1936). The Reliance Interest in Contract Damages. *Yale Law Journal*, 46(1), 52-96.
- Morrison, A. B. (Ed.). (1996). *Fundamentals of American law*. Oxford University Press.
- McKendrick, E. (2012). *Contract law: text, cases, and materials*. Oxford University Press, USA.
- Hogg, M. (2011). *Promises and contract law: comparative perspectives*. Cambridge University Press.

